

# OCTOBER

۷ سپتامبر ۲۰۰۵

# اکتبر ۵۴

۱۶ شهریور ۱۳۸۴

نشریه کمیته  
کردستان حزب  
کمونیست کارگری  
ایران - حکمتیست

## مردم کردستان و سناریو فرعونهای "کرد"!



ایرج فرزاد

iraj.farzad@gmail.com

آقای بهالدین ادب در مصاحبه ای با روزنامه شهروند، چاپ کانادا، در باره وقایع اخیر در کردستان ایران اظهار نظر کرده است. اظهار نظر در مورد وقایع و فاکتها و تفاسیر گوناگون در باره علل و ریشه های هر

گفتگوی اکتبر با عبدالله دارابی، عضو دفتر سیاسی حزب حکمتیست و یکی از بنیانگذاران گارد آزادی

جوانان باید نقش کلیدی در جهت سرنگون کردن رژیم اسلامی داشته باشند!



عبدالله دارابی

### اکتبر:

اخیرا شما همراه تعدادی دیگر از کادر های حزب حکمتیست، و با حمایت گارد آزادی "پروژه رهبران کمونیست" با حضور علنی خودتان پیش بردید. هدف از انجام این پروژه چه بود؟

### عبدالله دارابی:

بدنبال "انتخاب" رئیس جمهور جدید حکومت اسلامی ایران، شهرهای

کردستان به کانون مبارزات گرم و پر شور مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. نقش ما و تاثیر ما بر مبارزات و رو دررو دو ماه اخیر مردم کردستان و همچنین تحسن عمومی و موفقیت آمیزانان در سراسر کردستان بی تردید برای عموم مسجل است، در این رابطه تصمیم گرفتیم با حضور علنی رهبران حزب

در داخل ایران، گشت سیاسی-نظامی خود را آغاز کنیم و با حمایت گارد آزادی در کنار مردم آزادیخواه کردستان حضور یابیم، روحیه فعال و مبارزاتی آنان را بیش از پیش تقویت نماییم و در هدایت و رهبری اعتراضاتشان نقش قابل توجه خود را ایفا نماییم. با آغاز کار و ابراز وجود علنی ما تحت حمایت ←

## کمپین جهانی برای آزادی برهان دیوارگر ادامه دارد!



خالد حاج محمدی

ایران است. خارج از حزب ما بسیاری از جریانات و محافل مختلف در این زمینه به سهم خود اقداماتی کرده که جای خوشحالی است. کمپین برای آزادی آقای دیوارگر ابعاد بسیار گسترده ای را بخود گرفته و میلیونها انسان در سراسر جهان از ماجرای دستگیری و متعاقبا اعتراضاتی که در سطح جهان به زندانی بودن و برای آزادی او شده است، مطلع شده اند. ما به سهم خود مرتب اخبار این کمپین و نامه های حمایتی از این حرکت و اعتراضاتی که به جمهوری اسلامی شده

داریم، مقامات قضایی جمهوری اسلامی هنوز تکلیف پرونده او را روشن نکرده و در وضع بلا تکلیفی بسر میبرد. در واقع مقامات قضایی با چنین ترفندهایی فعلا به توجیه اقدام ضد انسانی خود پرداخته اند. و اما در مورد ابعاد این کمپین نکاتی را به اطلاع برسانم. ما کمپینی را اعلام کرده و همراه با رفیق عزیزم محمود قزوینی از جانب حزب حکمتیست مسئولیت این کمپین را عهده داریم. برهان دیوارگر فعال کارگری و انسانی شناخته شده و بسیار خوشنام در سطح

برهان دیوارگر تا هم اکنون در زندان است و هنوز و تا امروز آقای محمد علی دانشخواه که وکالت او را به عهده گرفته است موفق به دیدن پرونده و ملاقات او نشده است. همچنانکه قبلا نیز به اطلاع رساندم ایشان در این مدت شدیدا شکنجه شده است و طبق نامه های همسرشان مریم اخضر پور و سخنان وکیل او و همچنین بر مبنای اطلاعاتی که ما

### در صفحات دیگر

شهریور ۶ آشویتس اسلام سیاسی  
اعظم کم گویان

نوزاد عزیزم را در نبود پدرش برهان دیوارگر  
بدنیا آوردم!  
مریم اخضر پور

جنایتکاران حکومت اسلامی اسماعیل محمدی را  
اعدام کردند!

آزاد لطف پور دستگیر شد!

در صفحه ۵

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## گفتگوی اکتبر با عبدالله دارابی ...

نیروی مسلح گارد آزادی در مریوان و محور جاده سنندج- مریوان، این نکات به نحو قابل توجهی تامین گردید و با همکاری و همیاری ما و مردم ترس و وحشت در صفوف نیرو های رژیم گسترش یافت و مانور و تحرک نیرو های رژیم در سطح شهر فلج شد و همانجا زمینگیر شدند. با حضور رسمی و علنی ما، نبردی تازه علیه رژیم آغاز گردید و ما توانستیم در روز روشن از طریق بلند گوی روستا های لنج آباد، چور و نه نه، خروج نیرو های سرکوبگر رژیم از کردستان را اعلام کنیم، مردم شهر های مریوان و سنندج و بیش از ۲۰ روستای دیگر را در گروه های کوچک و بزرگ ملاقات نماییم و بصورت حضوری پای صحبت های آنان نشستیم و به تفصیل از سیاست و برنامه های خود برای آنان توضیح دهیم و..... در بعضی موارد انسان به یاد سال های ۵۶- ۵۵ ایران میافتاد که مردم چگونه در برابر دیکتاتوری رژیم شاه قد علم کرده، قید و بند های نظام را در هم شکسته و در عرصه سیاسی و اجتماعی بصورت علنی اظهار وجود میکردند و..... طی این سفر نشان دادیم ما و مردم در کنار هم و دست در دست هم قادر به دخالتگری در سرنوشت و زندگی خود هستیم و در این رابطه به سرکوبگر و استثمارگر و قیم و نایب و کدخدا در هریاس و پوشش دینی و قومی احتیاج نداریم و از حضور و وجودشان بشدت بیزار و متنفریم. همکاری های بیدریغ و کم نظیر مردم با همدیگر،

بلا رفتن روحیه همبستگی و مبارزاتی آنان با یکدیگر و انعکاس این روحیه در همکاری بیدریغشان نسبت به ما، نشان داد که هدایت و پیشبرد مبارزات مردم کردستان بیش از هر دوره دیگر به پرچم و آلترناتیو چپ و کمونیستی احتیاج مبرم دارند و ما هم بسهم خود به این خواست عاجل را پاسخ مثبت داده و قابلیت و توانایی پیشبرد آنرا از خود نشان داده ایم.

### اکتبر:

چرا حزب حکمتیست نیروی مسلح خود را گارد آزادی اسم گذاری کرده است، هدف از سازماندهی نیروی مسلح چیست و آیا در نظر دارید در کردستان بطور مسلحانه ابراز وجود کنید؟

### عبدالله دارابی:

سرازیز شدن این تیپ سؤالات عادتاً بصورت تعجب برانگیزی بسوی کمونیست ها سرازیز میشوند و گر نه ظاهراً مسلح شدن رژیم و احزاب راست و ارتجاعی چندان بحث برانگیز نیست و برای دوست و دشمن هم زیاد مورد سؤال قرار نمیگیرند. در صورتیکه ساختن و آوردن اسلحه بمیدان سیاست و قلع و قم کردن مردم و اسیر وزندان کردنشان به کمک این ابزار، اساساً از بطن منافع سرمایه داران و دولتمردان مرتجع و استثمارگر ساخته و پرداخته شده و در مقابل آنرا هم از دسترس مردم دور نگهداشته و قانون ممنوعیت آنرا هم صادر کرده اند. قبل از پرداختن به پاسخ این سؤال، یاد آور میشوم ما کمونیست همواره اعلام داشته ایم اگر دنیا دست ما باشد انسان هیچگاه به ساختن و بکار بردن این ابزار احتیاج پیدا نخواهد کرد و آنرا برای همیشه از صحنه زندگی

مردم محو و نا بود خواهد کرد. اما همه شاهدیم که دنیای وارونه امروز دست اقلیت نا چیزی است که زندگی اکثریت مردم جهان را به گروگان گرفته و میروند تا یک باره آنرا به نا بودی و تباهی بکشانند. ایران و کردستان امروز را نگاه کنید صد ها هزار آدم و ارگان سرکوبگر رژیم با پول و بودجه مردم زحمتکش تا ندان مسلح شده و در برابر خود مردم صف آرای کرده اند. احزاب و گروه های راست و قومی کرد هم به سرنوشتی مشابه گرفتارند و به کمک احزاب و دولت های مرتجع منطقه و... تا ندان مسلح شده اند و زورمرد در اشکال مختلف این قدرت مسلح خود را به رخ کارگران و مردم آذبخواه و برابری طلب کردستان میکشند. در چنین شرایطی هر گونه مکث و وسوسه احزاب سیاسی دخالتگر چپ و کمونیست و مردم آذبخواه جامعه برای مسلح شدن خود بی جا است و نباید یک لحظه در آن تردید نمود. در همچون شرایطی مسلح شدن گارد آزادی و دخالتگری این نیرو لازم و ضروری است چون دشمنان رنگا رنگ مردم کردستان عموماً مسلح اند و زبان سلاح را در سیاست و زندگی مردم رواج داده اند که متأسفانه بدون آن هیچ حق و حقوقی برای مردم برآورده نمیشود. مسلح شدن نیروی گارد آزادی بر خواسته از نیروی شهری است، از کوه سرازیز نمیشود و با سنت ناسیونالیستی پیشمرگاییتی در اساس تفاوت دارد. این نیرو، چنانچه از نامش پیداست از آزادی بی قید و شرط مردم قاطعانه دفاع و حراست میکند و حمایت بی چون و چرای خود را از لغو اعدام و هر

گونه آزار و اذیت انسان اعلام میدارد و برای رسمیت دادن و قانونی کردن آنها بی وقفه مبارزه میکند. پیوستن به گارد آزادی بمعنای کندن مردم از محیط کار و زیستش نیست. جانشین هیچ عرصه سیاسی و اجتماعی مردم نیست، بر عکس گسترش و قابلیت عرصه های اجتماعی در همه سطوح زندگی تقویت میکند. یک نیروی آزاد و داوطلب است که در محیط کار و زیستش رشد و پرورش مییابد و بمثابه یک شهروند مبارز فعالیت سیاسی خود را هم پیش میبرد. نیروی گارد آزادی در شرایط حاضر در بطن مناسبات عادی و روزمره خود دور هم جمع شده خود را مییابد و مسلح میشود. در شرایط حاضر ابراز وجود نظامی بصورت علنی و روزمره در دستور کارش نیست. برای شرکت در پروژه های "رهبران کمونیست" و امثالهم بر مبنای برنامه تعریف شده و از پیشی دخالت میکند. در برابر تعرض دشمن حق دفاع از خود را داراست. حضور علنی این نیرو به تناسب قوای بین مردم و رژیم بستگی دارد و هر وقت تناسب قوا به نفع مردم تغییر کند بیدریغ در میدان بازی رژیم مسلحانه ظاهر خواهد شد و قاطعانه مبارزات مردم را برای رسیدن به اهدافشان یاری خواهد داد.

### اکتبر:

در رابطه با گارد آزادی، فراخوانتان برای مردم بویژه جوانان چیست؟

### عبدالله دارابی:

جوانی که بی تبصره و اما واگر خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند و دوست دارند برای همیشه از شر این رژیم رها شوند



انسان آذبخواه و برابری طلب به تقویت و گسترش این نیرو جلب میکنم و از کسانی که بدلیل سنی و... قادر به پیوستن به صفوف این نیرو نیستند مجدا میخوامم از طریق کمک های مالی خود وارسال خبر و گزارش و... به این نیرو کمک نمایند و از هر نظر آنرا تقویت و استحکام بخشند.

۱۶ آگوست سال ۲۰۰۵

**اوضاع سیاسی کردستان و موقعیت جمهوری اسلامی، گفت و شنود با عبدالله دارابی و خالد علی پناه**

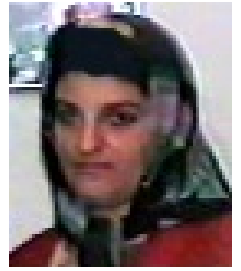
**حضور رهبران کمونیست نقطه قدرت اپوزیسیون چپ و کمونیست**

**شنبه 10 سپتامبر- اسلو ساعت 2 بعداز ظهر**

IKM SENTERET  
TØYENBEKKEN 5

**اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است**

## نوزاد عزیزم را در نبود پدرش برهان دیوارگر، بدنیا آوردم!



مریم اخضر پور

نوزادم پدرش را ندیده است. هنوز برهان به جرم تلاش برای زندگی انسانی برای کودکان و برای هموعان خود در زندان است. از همگی انتظار دارم برای رهایی برهان از زندان و برگشتن به میان ما، کماکان با ما باشید تا با موفقیت این دوره را نیز پشت سر بگذاریم. بازهم از همگی شما، از تمام کسانی که در این دوران سخت به هر شیوه که توانستند ما را همراهی کردند، تشکر می‌کنم.

با احترام  
مریم اخضر پور  
۱۵ شهریور ۱۳۸۴

در این روزهای سخت من را همراهی کردند. همین قوت قلبی بزرگ برایم بود تا با موفقیت این دوره را سپری کنم. عزیزان بسیاری در این دوره به شیوه‌های مختلف جویای حال شدند و در مشکلات من شریک و بخشی از آن را بر دوش گرفتند. خواستم ضمن قدرانی از این همه محبت و انسان دوستی که در حق من و همسرم برهان دیوارگر و کودکانم شد، خبر تولد نوزادم را به شما اعلام کنم. من بی تردید بدون کمکهای شما، بدون محبتها و تلاشهای شما از عهده این مشکلات بر نمی‌آمدم. اما باید به اطلاع برسانم که هنوز

است بر خلاف تمام ادعاهایی که میشود، کسی مسئول نیست و کسی جوابگو نمیشود. روز جمعه ۱۱ شهریور در اعتراض به این حق کثی آشکار تحصن خواهم کرد. نوزادم به من فرجه نداد و خوشبختانه روز جمعه سالم بدنیا آمد. دوران بسیار سختی بود و تصور کنید با یک کودک ۸ ساله در چنین شرایطی چه بر ما گذشته است. اما در تمام این دوران من تنها نبودم، هزاران و شاید صدها هزار انسان کارگر و زحمتکش، صدها هزار آدم انساندوست در ایران و سراسر جهان که صدای من را شنیده بودند،

هزار مشکل دیگر من را مچاله کرده بود. نمیدانستم چه سرنوشتی در انتظار نوزادم و خودم خواهد بود. نمیدانستم در چنین اوضاع بسیار سختی قادرم کودکم را بدنیا بیاورم. به تمام مراجع قانونی در این شهر مراجعه کردم و اعتراض انسانی خود را به اطلاع رساندم. روز قبلش به دادگاه رفتم و خواهان آزادی همسرم شدم. به آنها اطلاع دادم که در چنین وضعیتی حق من است که برهان را در کنار خود داشته باشم. سرانجام به آنها اطلاع دادم مادام که مراجع قانونی این مملکت وقتی سخن از خانواده ای کارگری در میان

ساعت ۱۲ ظهر روز جمعه ۱۱ شهریور در بیمارستان تامين اجتماعي شهر سقز نوزاد عزیزم در نبود همسر عزیز و دربندم بدنیا آمد. روزهای بسیار سختی بود، نگرانی از وضع ناروشن سرنوشت همسرم که بر عکس قوانین دنیا حتی اجازه دیدن پرونده اش و ملاقات خودش از جانب وکیلش آقای دادخواه را نداده اند، مریضی خودم همراه با حاملگی و

## جنایتکاران حکومت اسلامی اسماعیل محمدی را اعدام کردند!

و تحت فشار قرار دهند.

### کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۵ شهریور ۱۳۸۴ (۶ سپتامبر ۲۰۰۵)

این اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی درست بدنبال اعتراضات وسیع مردم در شهرهای کردستان به قصد ایجاد رعب و وحشت و وادار کردن مردم به تمکین صورت میگیرد. ما اعدام اسماعیل محمدی را شدیداً محکوم میکنیم. ضمن ابراز تاسف خود از این ماجرا و اظهار همدردی و تسلیت به خانواده و بستگان او و کریم محمدی برادر اسماعیل، از سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر میخواهیم که حکومت اسلامی را بخاطر این جنایت آشکار محکوم کرده



جریانات مختلف و نهادهای انساندوست به حکم اعدام اسماعیل شد، سرانجام او را اعدام کرد.

طبق اطلاعیه کریم محمدی برادر اسماعیل محمدی، روز شنبه ۱۲ شهریور ماه ۱۳۸۴ برابر با ۳ سپتامبر ۲۰۰۵ اسماعیل محمدی زندانی سیاسی توسط جمهوری اسلامی اعدام شد. اسماعیل محمدی در مرداد ۱۳۸۲ دستگیر و بعد از سپری کردن یکسال در زندانهای جمهوری اسلامی توسط آدمکشان حکومت اسلامی حکم اعدام گرفت.

جمهوری جنایتکار اسلامی علیرغم اعتراضات زیادی که از جانب

## ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۱۵ شهریور آزاد لطف پور دستگیر شد.

### مظفر محمدی دبیر کمیته سنندج حزب حکمتیست

15 شهریور 84 (6 سپتامبر 2005)

گرفته و میگیرند. آزاد لطف پور، روپا طلوعی و همه دستگیر شدگان اخیر شهرهای کردستان باید فوری و بی قیدو شرط آزاد شوند. هر گونه تعقیب و دستگیری و ایجاد مزاحمت در زندگی و امنیت شهروندان محکوم است. این شگردهای ضد انسانی جمهوری اسلامی باید با مبارزات و اعتراض عمومی مردم متوقف شود.

خودداری میکنند. آزاد لطف پور دانشجو و عضو یک تشکل دانشجویی به نام شاهو در دانشگاه آزاد سنندج است. هم اکنون تعداد بیشتری از متحصنین استانداری در زندان هستند که روپا طلوعی از جمله آنها است. همچنین بقیه نمایندگان شرکت کننده در این تحصن مورد تعقیب و آزار و مزاحمتهای مامورین اطلاعاتی قرار

آزاد لطف پور یکی از سخن گویان کمیته تحصن نمایندگان نهادهای مدنی و غیردولتی در جلو استانداری در شهر سنندج بود. آزاد امروز توسط مامورین اطلاعات دستگیر شد و به جای نامعلومی برده شده است. تلاش خانواده و دوستان آزاد برای پیدا کردن محل نگه داری او به جایی نرسیده است. دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی از افشای محل بازداشت او

**مردم آزادیخواه ایران، خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی هستند!**

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## مردم کردستان و سناریو فرعونهای "کرد" از ص ۱

در مصاحبه با شهروند به چنین متدی روی آورده است.

ایشان در پاسخ به این سوال شهروند: "ارزیابی شخصی شما چیست؟" از جمله چنین گفته اند:

"مثلا اتفاقی که، در مناطق کردنشین ایران برای اولین بار رخ داد این بود که، به طور همزمان و یکجا، در یک روز، بدون هماهنگی قبلی، مردم ساکن در حدود ۶ تا شهر بزرگ کردستان ایران، دست به اعتصاب عمومی زدند و بازارها و کلیه فعالتهای عادی و روزمره را، تعطیل کردند." (خط تاکید از من است)

این فاکت واقعیت ندارد. اعتصاب عمومی مردم ۶ تا شهر کردستان در روز ۶ مرداد، بدون هماهنگی قبلی، نبود. تشکیلات کومه له فراخوان دهنده این اعتصاب

عمومی بود و حزب کمونیست حکمتیست همراه با حمایت بی تردید از این فراخوان در سازماندهی آن حرکت نقش غیر قابل انکاری داشت. و سازمان زحمتکشان که اسم کومه له را سرقت و ضمیمه نام خود کرده است، چنین فراخوانی را بایکوت کرد. و حزب دمکرات کماکان مثل هر موردی دیگر عرض اندام مردم انقلابی کردستان در صحنه سیاست، "درگوش گاو" خوابش برد.

در بخش دیگری از پاسخ بها ادب به همین سوال، او چنین گفته است:

"تحلیل من اینست که، اتفاقاتی که ماههای اخیر در کردستان سوریه و ترکیه و ایران، همزمان روی داد، نمیتواند، خود به خودی و تصادفی باشد. شهید شدن، شیخ غزنوی در کردستان سوریه، به دست نیروهای بعثی، و لشکرکشی نظامیان ترکیه، به کردستان آن کشور، و همچنین شهید نمودن «شوانه سیدقادی» فردی تنها و

غیرمسلح در مهاباد، به دست نیروی انتظامی ایران، و کبریت به آنبار باروت نارضایتی مردم کرد، از حکومت، کشیدن، به نظر بنده، یک اقدام هماهنگ شده، بین دولتهای سه کشور مذکور، بوده است، با اهداف منطقه ای و داخلی کشورهای فوق الذکر. هدف منطقه ای آن، فشار، بر حکومت موقت و حکومت خودمختار و فدرال کردستان عراق با ایجاد ناامنی در مناطق مرزی همجوار آنها، بوده است. تا حق مسلم کردهای آن کشور، بر قانون اساسی در دست تهیه، نوشته نشود و کردها به حقوق قانونی خود، بر قانون اساسی عراق دسترسی پیدا نکنند." (خط تاکیدها از من است)

نه این تحلیل و ارزیابی واقعی است و نه فاکتهای آن حقیقی اند.

جهت اطلاع خوانندگان بی خیر از ماجرا، و به خاطر اینکه موقعیت بها ادب به عنوان نماینده مجلس ششم جمهوری اسلامی و عضو فراکسیون پیشین "نمایندگان

کرد" آن مجلس، اهدا کلید تفسیر انحصاری هر اتفاق و حادثه مربوط به "کرد"ها را ناممکن کند، لازم میدانم واقعیات فاکتهای مذکور را زیر نورافکن حقیقت بگیرم. اعتصاب عمومی روز ۶ مرداد مطلقا ربطی به محاسباتی که در ذهن آقای ادب سنگینی میکنند، نداشته است. ضروری است اشاره کنم که اعتصاب عمومی مردم آن ۶ تا شهر کردستان ایران در دفاع از حکومت فدرال و خودمختار کردستان عراق و دفاع از حق قانونی کردها در قانون اساسی نبود.

به چندین دلیل واضح: اولاً قانون اساسی مورد نظر آقای بها ادب کوچکترین دفاع از حقوق مردم کردستان عراق را نه تنها تضمین نکرده است، بلکه شرط تدوین آن، سازش نیروهای ائتلاف "کردی" با نیروهای الجعفری و عبدالعظیم حکیم و دست کشیدن از حق مردم کردستان عراق بود. این پشت کردن به حقوق مردم کردستان و سازش و تبانی احزاب ناسیونالیست کرد در حکومت موقت با حذف

حقوق مردم کردستان عراق چنان آشکار و زمخت بود، که مردم آنرا به حساب خنجر زدن دگر باره احزاب ناسیونالیست کرد عراق به مبارزات چندین ده ساله خود ارزیابی کردند.

ثانیا درست در گرماگرم اعتصاب عمومی مردم کردستان ایران، نیروهای وابسته به اداره امنیت اتحادیه میهنی (حزب جلال طالبانی)، سازمان موسوم به آسایش، به روی تظاهرات مردم سلیمانیه که در حمایت از اعتصاب عمومی راه افتاده بود آتش گشودند و این حرکت اعلام همبستگی را در هم کوبیده و متفرق ساختند. ثالثاً: آنچه در ذهن آقای بها ادب در مورد مرتبط کردن حرکات دولتهای سوریه و ترکیه و نیز تصویب قانون اساسی عراق با اعتصاب عمومی روز ۶ مرداد در جریان بوده است، مطلقا در این اعتصاب نقش نداشته است.

=====



رهبان کمونیست در میان مردم

حضور رهبران کمونیست نقطه قدرت اپوزیسیون چپ و کمونیست

دیدار علنی رهبران کمونیست با مردم در کردستان تحت حفاظت نیروهای گارد آزادی،

اوضاع سیاسی کردستان و موقعیت جمهوری اسلامی،

گفت و شنود با

مجید حسینی، یدی کریمی، سردار نگلی

یکشنبه 11 سپتامبر - استکهلم  
ساعت 2 بعداز ظهر

Nydarosgatan 12 Husby Centrom

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (کمیته سوئد)

## در گرامیداشت نه بز احمدزاده از موسسین سازمان جوانان حکمتیست



انجمن مارکس کلن

جمعه سپتامبر ۵

ساعت بعدازظهر

جوانان، کمونیسم کارگری، جنبش جوانان در ایران  
سخنران: آذر مدرسی

ورود رایگان و برای عموم آزاد است  
آدرس

Koeln, Kalk, Kapellenstr. 3

مسئول انجمن مارکس - کلن

پروین معاذی - نسان نودینیان

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دبیر: حسین مرادیبگی (جهه سور)

h\_moradbiegi@yahoo.com  
Tel: 00447960233959

اکتبر

چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر  
را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان  
و آشنایان خود برسانید!

اکتبر

سردبیر: عبدالله شریفی

sharifi\_abdollah@yahoo.com Tel:00467369752 26

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بپیوندید!

## کمپین جهانی ..... از ص ۱

است را منتشر کرده و به اطلاع عموم رسانده ایم. هر خبری را در سطح بسیار وسیعی برای لیست چند هزار نفره در سطح جهان ارسال کرده ایم. تا کنون و تا جایی که به خاطر دارم در سطح بین المللی این اعتراضات شده و نامه های این اتحادیه ها و نهادها برای جمهوری اسلامی ارسال شده است:

— متال فنلاند  
بخش بین المللی کنفدراسیون اتحادیه های فنلاند با یک میلیون عضو  
— اتحادیه تاسیسات دولتی فنلاند با دهها هزار عضو  
— فدراسیون شوراها و اتحادیه های کارگری عراق  
— اتحادیه معلمان انگلستان  
— سازمان کشوری دانشجویان انگلستان  
— مرکز کانادایی حمایت از قربانیان شکنجه  
— حزب چپ آلمان (پی دی آس)  
— اتحادیه کارگران مواد غذایی فنلاند با یکصد شعبه  
— اتحادیه کارگران شهرداری فنلاند با ۶۰ هزار عضو  
— ۱۲ نفر از رهبران بخشهای مختلف و اتحادیه های کارگری کانادا و شخصیت های شناخته شده این کشور و ۲ نفر از اعضای پارلمان دانمارک

جدا از اینها دهها شخصیت و مراکز مختلف امنستی در تعدادی از کشورها و از جمله مرکز آنان در انگلستان را میشود نام برد.  
در خود ایران نامه های مریم اخضر پور و مادر آقای دیوارگر و خواهر و برادران او خیلی موثر بوده است. جدا از اینها بیش از ۱۵۰۰ نفر از اعضا کانون کودکان و مردم هزار عضو  
— اتحادیه سراسری کارگران دانمارک (ال او)  
— اتحادیه کارگران شیمی فنلاند  
— اتحادیه کارگران ساختمانی فنلاند  
— حزب کمونیست فنلاند  
— اتحادیه کارگران نفت نروژ  
— کنگره کار کانادا با ۳ میلیون عضو

توامری را در اعتراض به دستگیریهای اخیر و از جمله برهان دیوارگر امضا کرده اند. کمیته های پیگیری و هماهنگی، تشکل سراسری کارگران بیکار، کمیته حمایتی کارگران اخراجی و بیکار تهران و حومه، انجمن حمایتی کارگران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، جامعه حمایت از زنان کردستان و... از جمله تشکلات و کانونهایی بوده اند که به دستگیری برهان دیوارگر اعتراض کرده اند.



راستش غیر از اینها باید دهها نامه از رهبران شناخته شده و فعالین حزب را به نهادهای گوناگون در کشورهای مختلف در سراسر جهان و انواع مصاحبه ها و... را میتوان اضافه کرد.

کمپین ما ادامه دارد. ما در تلاشیم دامنه این اعتراضات

را باز هم وسعت دهیم و جمهوری اسلامی را بیش از پیش زیر فشار بگذاریم. برهان دیوارگر و کسان دیگری چون رویا طلوعی و صدها نفری که در زنداند، باید آزاد شوند. ما در خود ایران هم تلاش خواهیم کرده دامنه اعتراضات به دستگیریهای اخیر بیشتر و واقعت این است که جنگی میان ما مردم و جمهوری اسلامی در جریان است. دستگیریهای اخیر و زندانی کردن دهها نفر انسان به بهانه های پوچ تنها حمله ای از جانب جمهوری اسلامی برای عقب راندن مردم در جدالی است که در جریان است. اکنون جمهوری اسلامی دست به اعدام تعدادی هم زده است. اسماعیل محمدی فعال سیاسی را چند روز پیش اعدام کردند. ما نیز متقابلاً باید جوایشان را بدهیم. جمهوری اسلامی میتوان و باید سر جایش نشاند. این کار مقدور است و تنها راه اعتراض هماهنگ و همگام ماست. من بسیار خلاصه اشاره کردم که کمپین ما برای آزادی برهان دیوارگر تا کنون چه ابعاد وسیعی را بخود گرفته است. این بسیار شورانگیز است. اکنون

## دهها تن از رهبران اتحادیه های کارگری و احزاب سیاسی چپ کانادا خواهان آزادی فوری برهان دیوارگر شدند

اطلاعیه شماره 10 کمپین برای آزادی برهان دیوارگر

در ادامه کمپین برای اعتراض به دستگیری برهان دیوارگر توسط دولت جمهوری اسلامی، تعدادی از رهبران مهم کارگری و شخصیت های سیاسی کانادا به این کمپین پیوستند. در روز کارگر در کانادا (5 سپتامبر 2005)، یک تیم از فعالین حزب حکمتیست، متشکل از رفقا چیا برسن، فوزیه خالدیان، ابراهیم برسن، جلال برخوردار و سعید کرامت سازمان یافته به دیدار رهبران و نمایندگان اتحادیه های کارگری که در آن مراسم شرکت کرده بودند پرداختند.

طی این کمپین فعالین حزب شرایط برهان دیوارگر را توضیح و از آنها خواستند که با امضای نامه ای که از قبل آماده شده بود، به جمهوری اسلامی اعتراض کنند. این خواسته با استقبال مواجه شد و عده زیادی از رهبران اتحادیه های کارگری که لیست تعدادی از آنها پایین تر دیده میشود، نامه را امضا کردند. در جریان همین فعالیت ها فوزیه خالدیان و چیا برسن با چند شخصیت سیاسی از

جمله لیبر حزب دمکراتیک نوین (NDP) که حزب سوم در کانادا است، شهردار تورنتو، معاون حزب NDP در انتاریو که در عین حال نماینده پارلمان در استان انتاریو میباشد و یکی از اعضای شورای شهر دیدار کرده و حمایت آنها را برای دفاع از برهان دیوانگر جلب کردند.

اسامی بعضی اشخاص و نهاد مربوطه به امضا کنندگان به شرح زیر است. این لیست محدود به رهبران سرشناس کارگری و سیاسی است و تمام کسانی را نامه را امضا کرده اند در بر نمی گیرد. اسم و نشانی اتحادیه/ نهاد رهبران کارگری باز هارگروف از رهبری کارگران اتومبیل سازی کانادا

الیزابت بایس از رهبری کارگران پست کانادا  
بری وایدزله از رهبری اتحادیه آموزگاران انتاریو  
وندی فورست از رهبری انجمن پرستاران انتاریو  
برنو سیلانو از رهبری اتحادیه خدمات عمومی انتاریو  
آنا گهانی از رهبری اتحادیه خدمات عمومی انتاریو

دان بارت از رهبری ائتلاف خدمات عمومی کانادا  
آرن مرفی از رهبری اتحادیه کارگران فولاد شخصیت های سیاسی  
جک لیتون لیبر حزب دمکراتیک نوین و نماینده مجلس فدرال  
دایود میلر شهردار تورنتو  
ماریلین چرلی نماینده مجلس در استان انتاریو  
اولوفیا چاو عضو شورای شهر تورنتو

### کمیته خارج کشور حزب کمونیست

کارگری حکمتیست

3 سپتامبر 2005 11 شهریور 84

۴۵۵

[Nodinian-Nassan@web.de](mailto:Nodinian-Nassan@web.de)

(Tel: 44) [azar.modaresi@gmail.com](mailto:azar.modaresi@gmail.com)

37 22 590 781

## شهریور ۶۷ آشویتس اسلام سیاسی



اعظم کم گویان

[azam\\_kamguian@yahoo.com](mailto:azam_kamguian@yahoo.com)

آغاز عروج اسلام سیاسی در جهان، دورانی در تاریخ است که می توان آن را با سالهای دهه ۱۹۳۰ در آلمان نازی مقایسه نمود. این دوره ای در تاریخ جامعه ایران است که بشریت در جهان وسیعاً از آن بیخبر است. دورانی که اگر شدت و حدت جنایاتی که علیه انسانیت صورت گرفت، در سطح جهان افشا می



شدند بحق و قطعاً مانند جنایات فاشیسم مورد نفرت و انزجار افکار عمومی بین المللی قرار می گرفتند. من هزار و هزاران روزهایی را در ایران گذرانده ام که در آنها اسلام سیاسی خون

در داخل و خارج ایران. من، همراه با هزاران زندانی سیاسی دیگر با حکم نماینده الله - حاکم شرع - وحشیانه شکنجه شدم. شکنجه می شدم در حالیکه آیه های قرآن در دهلیزها و اطاقهای شکنجه پخش می شد. صدایی که آیات قرآن را می خواند با فریادهای زجر آلود ناشی از ضربه های شلاق و سایر اشکال شکنجه به ما، قاطعی می شد. هزاران انسان توسط



جوخه های اعدام که آیه های قرآن در مورد مفسدین فی الارض و محاربین با خدا را می خواندند به قتل رسیدند. خدا و قرآن خواستار مرگ وحشیانه مخالفین حکومت اسلامی، و بی دینان هستند. پدران و مادران و همسرانی که لباسهای خونین عزیزانشان را دریافت می کردند، باید برای گلوله هایی که صرف کشتن آنها شده بود، مبلغی پول می پرداختتند. در شهریور ۶۷ این نسل کشتی ابعاد غیر قابل باوری پیدا کرد. آشویتس اسلام سیاسی در این مقطع خلق شد. زندانیانی

قدرت مردم انقلابی، جهانیان سرانجام تمامی حقیقت را در می یابند: قربانیان در مورد زخمها و ضایعات روحی و جسمی که دیده اند حرف می زنند؛ زندانها و دهلیزهای شکنجه گاهها برای عموم مردم قابل رویت خواهند شد؛ شکنجه شدگان در مورد روشهای شکنجه خواهند گفت و دل جهانیان را از شدت و حدت زخم و دردهایشان به درد خواهند آورد، خاوران ها و لعنت آبادها به نمایشگاه سیبعت و توحش اسلامی تبدیل خواهند شد، جایی که بازدید کنندگان از جنایات فاشیسم اسلامی به قربانیان آن ادای احترام خواهند کرد. آنوقت مردم جهان در خواهند یافت که اسلام سیاسی چه پدیده مهوع و نفرت انگیزی است. آنگاه مردم در مورد آشویتس اسلام سیاسی سخن خواهند گفت. آنگاه جنایات اسلام سیاسی به بخش انکار ناپذیری در تاریخ جنایت علیه بشریت تبدیل خواهد شد و نسلهای آینده آن را با رعب و وحشت به یاد خواهند آورد. و آنگاه نسل شکست خوردگان جایگاه و حرمت واقعی خود را بازخواهد یافت.

که در زندان بوده و هنوز اعدام نشده بودند، هر روز سپیده دم با صدای گلوله هایی که به سوی دوستان و هم سلولی هایشان شلیک می شد، از خواب بیدار می شدند. از تعداد گلوله های شلیک شده می توانستی بفهمی که هر روز چند نفر به قتل رسیده اند. ماشین آدمکشی یک لحظه هم از کار نمی ایستاد. آشویتس اسلامی خلق شد. بسیاری از بهترین، پر شورترین و مترقی ترین افراد را به خاک و خون کشاندند. ابعاد این جنایتها غیر قابل توصیف است. این آنچه است که بر سر نسل من آمد، اما صرفاً به آن نسل منحصر نماند و پیامدهای خونینی برای پدران و مادران و همچنین نسل بعدی داشت. بعبارت دیگر، اسلام سیاسی زندگی، آرزوها و امیدهای سه نسل پی در پی را ویران و تخریب نمود. طی آن سالها، میلیونها کودک در اثر آموزش اسلامی شستشوی مغزی شدند و مورد دست اندازی اسلام و الله قرار گرفتند. جنایاتی که توسط جمهوری اسلامی ایران و جریانات اسلام سیاسی در منطقه انجام شدند با جنایات فاشیسم در دوره ۱۹۴۵-۱۹۳۳ و نسل کشی ها در رواندا و اندونزی قابل قیاس هستند. با سرنگونی این رژیم به

### حزب کمونیستی و قدرت سیاسی کتابی از کورش مدرسی بزودی منتشر میشود!



### حکمت شماره ۲ نشریه تنوریک سیاسی به سردبیری کورش مدرسی منتشر شد!

